

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بیان شد که در آیه شریفه سوره مائده دو احتمال وجود دارد و از میان آنها با توجه به قرائنی که ذکر نمودیم، احتمال دوم را ترجیح دادیم و گفتیم که اظهر از احتمال اول است.

نکاتی در مورد آیه شریفه

نکته اول این است که آیا از این آیه شریفه می توانیم قاعده لا حرج را به نحو کلی استفاده کنیم؟ یعنی در هر مورد و تکلیفی که مستلزم حرج باشد، لا حرج آن تکلیف را بر می دارد؛ یا این که «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ](#)» فقط مربوط به مسأله وضو و غسل است؟ اگر گفتیم «ما یرید الله» عنوان تعلیل دارد، نتیجه می گیریم هر تکلیفی که به حد حرج رسید، خداوند آن تکلیف را اراده نمی کند؛ یعنی اختصاصی به مسأله وضو و غسل ندارد.

به عبارت دیگر، آیه می فرماید به نحو ضابطه کلی در هر موردی که وضو یا غسل حرجی بود، - ممکن است آب کنار انسان باشد - اما تکلیف به وضو به علتی برای انسان حرجی باشد، آیه می فرماید در این فرض به تیمم تبدیل می شود بلاشکال؛ اما سؤال این است که آیا از دائره وضو و غسل می توانیم تعدی کنیم و بگوییم اگر تکلیف به صلاة هم حرجی شد، اگر تکلیف به حج هم حرجی شد، اگر تکلیف به صوم هم حرجی شد، به مقتضای «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» آن تکلیف حرجی برداشته می شود. اگر «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» به عنوان علت در اینجا بیان شده باشد، العلة تعمم و به مورد خودش اختصاص ندارد و در همه موارد باید جاری شود.

ظاهر کلام بسیاری از فقها این است که از «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» تعلیل را استفاده کرده و عمومیت می دهند؛ لذا، می گویند یکی از ادله لا حرج همین «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ](#)» است. از جمله کسانی که به «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» تمسک کرده اند، مرحوم علامه حلی در کتاب «منتهی»، ابن فهد در کتاب «المهذب البارع»، سیدمحمد عاملی صاحب کتاب «نهاية المرام»، شیخ بهائی، صاحب حدائق، مرحوم نراقی، مرحوم شیخ انصاری، و همچنین عده دیگری از بزرگان می باشد.

عدم وجود روایت در مورد این آیه

با وجود استدلالاتی که در بین کلمات فقها وجود دارد، مبعّدی در اینجا وجود دارد که مقداری اطمینان انسان را در مورد اینکه مقصود از «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» یک ضابطه کلی باشد، سلب میکند؛ و آن این است که در ائمه (ع) در روایات متعددی به آیه قبلی - «[مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ](#)» - استدلال فرموده اند. اما هر چه تتبع کردیم که ببینیم به «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» در یک روایتی

استدلال شده باشد، چیزی پیدا نکردیم. البته در بعضی از روایات آیه توضیح داده شده است؛ اما استدلالی وجود ندارد. و این سبب می شود که انسان بگوید «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ](#)»، به مثابه «[مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ](#)» نیست. و فقط در محدوده وضو و غسل است. به نظر ما عدم استدلال ائمه (ع) به این قسمت از آیه در روایات، سبب می شود که تعلیل بودن آیه موهون شود و دیگر نتوانیم بگوییم این یک تعلیل کلی است.

نکته دوم در مورد این آیه آن است که ما ترجیح دادیم «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» مربوط به تیمم است و به صدر آیه که مسأله وضو و غسل باشد، مربوط نیست. حال که به تیمم مربوط است، در تیمم دو جهت وجود دارد یکی نفی وجوب وضو أو الغسل و دیگری طهارت ترابیه که «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» قسمت اول را اثبات می کند و «لكن ليطهرکم» طهارت ترابیه را اثبات کند. در نتیجه قاعده لاجرح فقط نافی است و به لسان خودش مثبت برای تکلیف حکم شرعی نیست.

اشکال این نکته

به نظر ما این بیان تمام نیست. چون اگر در این آیه شریفه دقت کنیم، آیه می فرماید: «[إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا](#)» بعد کیفیت تیمم را بیان می کند «[فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ](#)» یعنی من الصعید. در بعضی از روایات ضمیر «منه» به تیمم برگردانده شده است، آنهم به اعتبار صعید. و در این که «منه» مربوط به ایدیکم است یا به هر دو، اختلاف وجود دارد. در ادامه می فرماید: «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ](#)» □ سؤالی که می خواهیم عرض کنیم این است که اگر خداوند «لكن» را بیان نمی کرد، آیا جمله ناقص بود؟ به نظر می رسد «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» هر دو جهت را بیان می کند؛ می فرماید حال که وضو و غسل حرجی است، «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)». سؤال دیگر این است که چرا در تیمم مسأله «رأس و رجل» از میدان خارج می شود؟

اینجا می توانیم بگوییم شارع می فرماید علت این که تیمم را آسان قرار دادم این است که نمی خواهم برای شما حرج باشد. شارع می توانست بفرماید حالا که آب نبود و می خواهید طهارت ترابیه داشته باشید، باید تمام بدنتان را با زمین مسح کنید. اما می فرماید «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ](#)»؛ یعنی علت آن که تیمم را خیلی محدود قرار دادم، این است که نمی خواهم برای شما حرجی باشد.

به همین نحو ساده که صورت – آنهم بعض صورت – و دست را مسح کنید. نتیجه این می شود که ادعا می کنیم ممکن است در «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ](#)» هر دو جهت را بیان کند؛ هم جهت نفی و هم جهت اثبات. البته توجه داشته باشید که ما نمی خواهیم ادعا کنیم – که اگر بعداً گفتیم قاعده لاجرح قاعده فقهیه مسلمة – فقیه می تواند با لاجرح حکم را هم درست کند. ولی می خواهیم بگوییم شارع در بعضی موارد مثل آیه تیمم با لاجرح حکم را اثبات کرده است و به نحو مجبیه جزئی وجود دارد.

نکته سوم که از این آیه استفاده می کنیم این است که حرج در آیه، حرج شخصی است یا نوعی؟ «[مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ](#)»، مقصود حرج نوعی است. برای نوع مردم وقتی که بالفعل آب در اختیارشان نباشد، شارع بگوید باید چاه بکنید یا باید این طرف و آن طرف راه بیفتید و در اقصی نقاط آب پیدا کنید، حرج پیش می آید. لذا حرج در این آیه شریفه حرج نوعی است.

سومین آیه در مورد قاعده لاجرح

آیه سوم، آیه 185 سوره بقره است. «نَ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». اگر کسی که در ماه رمضان مریض بود یا مسافر بود زمان و ایام دیگر را روزه بگیرد؛ «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». عسر به معنای حرج و مشقت است. اگر در یکجا تکلیفی مشقت داشت، آیه می فرماید: «لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». فقها در موارد زیادی به این آیه شریفه استدلال کرده اند. مانند: شیخ مفید در «مقنعه»، سید مرتضی در «رسائل»، ابن زهره در «عروه»، علامه در جمیع کتبش، شهید اول در «ذکری»، ابن فهد در «مذهب»، شهید ثانی در «مسالك»، مرحوم اردبیلی در «مجمع الفائده» و فاضل هندی در «كشف اللثام».

تحقیقاً تمام فقهای خاصه و عامه به این آیه شریفه استدلال کرده اند. برای استفاده قاعده لاجرح، باید بگوییم «يُرِيدُ اللَّهُ» عنوان تعلیل دارد؛ وقتی عنوان تعلیل داشت، اختصاصی به بحث صوم ندارد. «یرید» به منزله تعلیل است و تعلیل در اینجا عمومیت دارد. اولاً تعلیل خودش معمم است. ثانیاً، بر خلاف آیه قبلی، به این آیه شریفه در روایات استدلال شده است؛ مکرراً هم استدلال شده است.

از جمله آنکه در جلد چهارم وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ابواب المواقیت، اوقات صلوات خمس، باب دهم، حدیث صحیحی از امام هشتم حضرت رضا(ع) بدین صورت بیان شده است: «انما جعلت الصلوات في هذه الاوقات – خداوند می فرماید علت آنکه در اول هر زمانی (اول شفق، اول فجر، نصف النهار و...) برای این که اولین کاری که انسان در اول این زمانها انجام می دهد، ذکر و عبادت او باشد، نماز را در این اوقات قرار داده است؛ تا می رسد به این که چرا خدا نماز شب را برای مردم واجب نکرده است؟ می فرماید: – ولیس یقدر الخلق کلهم علی قیام اللیل ولا یشعرون به ولا ینتبهون لوقته لو کان واجباً فخفف الله عنهم ولم یكلفهم – این که نماز شب را خداوند برای مردم واجب نکرده است این است که اولاً وقت نماز شب را درست نمی توانند بفهمند چه زمانی است و مشکل است؛ لذا، این تکلیف را واجب نکرده است. و می فرماید: – ولم یجعلها فی اشد الاوقات علیهم ولكن جعلها فی اخف الاوقات – خداوند 24 ساعت را در نظر گرفته، آسان ترین وقتها را در نظر گرفته و نماز را در آن وقت قرار داده است. می فرماید: – كما قال الله عز وجل يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ – از این آیه در باب صلاة استفاده شده در حالی که خود آیه در قرآن کریم مربوط به صوم است؛ معلوم می شود که این آیه تعلیل است و کلیت دارد.

از این آیه و روایت خوانده شده در ذیل آن، استفاده می کنیم عسر و یسر، مراد شخصی نیست. مراد عسر و یسر عرفی است؛ برای نوع مردم قیام در لیل مشکل است؛ فهم وقت نماز شب مشکل است؛ اما برای کل واحد واحد مشکل نیست؛ لذا، عسر و یسر در اینجا هم نوعی است. یکی دو آیه دیگر مانده که فردا ان شاء الله بحث آیات را تمام می کنیم.